

نام «علی لندی» برای همیشه زنده ماند

علی لندی، نوجوان فداکار اهل شهرستان ایده که برای نجات دو زن همسایه به خودش زده بود به علت شدت سوختگی جانش را از دست داد. فداکاری علی اما نباید با مرگ او پایان یابد بلکه ثبت نامش بر یکی از یادمان‌های شهر می‌تواند یادش را برای همیشه زنده نگه‌دارد.

امروز شنبه، سومین روز از مهرماه زنگ مدارس کشور به صدا در می‌آید. هر چند با سیطره بیماری کرونا تا حضور در مدارس به سبک گذشته فاصله داریم اما امروز همکلاسی‌های پایه نهم علی لندی در شهرستان ایده به جای او شاخه‌های گل می‌گذارند و یادش را گرامی می‌دارند. نام این نوجوان فداکار از ۱۸ شهریورماه امسال به ناگاه در فضای رسانه‌ای کشور شنیده شد. وقتی مشخص شد این پسر ۱۵ ساله برای نجات دو زن همسایه خودش را به آتش زده و دچار سوختگی ۹۰ درصد شده است، احساسات عمومی با فداکاری‌اش همراه شد. روایت کاری فداکاری علی سینه به سینه نقل می‌شد. اینکه مهمان خانه خاله‌اش بود و متوجه می‌شود دو زن همسایه در حادثه آتش‌سوزی گرفتار شده‌اند، او خودش را به خانه همسایه می‌رساند و ابتدا بتوبی روی یکی از زن‌های آتش گرفته می‌اندازد و بعد کانون آتش را که گاز پیکنیک بوده به آغوش می‌کشد تا آتش را از آنجا دور کند، اما خودش در حلقه حریق گرفتار می‌شود و می‌سوزد. علی با سوختگی شدید ابتدا در بیمارستان طالقانی

اهواز و بعد در بیمارستان امام موسی کاظم(ع) اصفهان بستری می‌شود و تلاش‌ها برای نجات او به جریان می‌افتد. مسئولان کشور برای نجات جان وی بسیج شدند و در اقدامی شایسته معاون اول رئیس‌جمهور، وزیر کشور و استانداران دو استان اصفهان و خوزستان و مدیران شهری این دو استان در کنار خانواده‌اش قرار گرفته و با آنها

ابراز همدردی کردند تا حضور آنها هر همی بر زخم‌های علی باشد. گروه‌های مردمی، فرهنگی، هنری و مسئولان استانی از خوزستان و اصفهان راهی بیمارستان سوانح سوختگی اصفهان شدند و از علی عبادت کردند. تلاش‌های پزشکان هم برای نجات علی به جریان افتاد، اما با همه این مساعدت‌ها زخمی که



به پیکر نوجوان وارد شده بود کاری‌تر از آن بود که بشود او را به زندگی بازگرداند تا این که خبر رسید سحرگاه جمعه علی روی تخت بیمارستان آسمانی شده‌است. جمشید نمازی، پزشک معالج علی درباره تلاش‌های پزشکان هم برای نجات علی به ورود بیمار سعی شد تمام اقدامات پزشکی نظیر

دیه صیاد ایرانی صرف امور خیریه می‌شود



واحدی، باز پرس شعبه یازدهم برای تعیین و تکلیف پرونده و دیه و واریزی به مأموران پلیس دستور داد: از خانواده صیاد کشته‌شده درباره خواسته آنها تحقیق شود و همچنین از دو صیاد ایرانی که روز حادثه همراه علی بوده‌اند تحقیق شود که حادثه تیراندازی مر گبار چگونه رخ داده است.

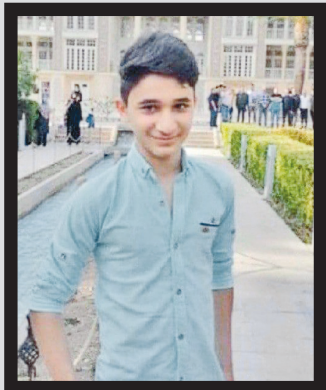
سر نوشت تلخ

خواهر علی باعنی در گفت‌وگو با خبرنگار نگار ما گفت: علی برادرم سر نوشت تلخی داشت و هنوز من و مادرم باور نداریم که علی‌را از دست داده‌ایم. مادرم هر روز منتظر است که علی از در وارد شود، اما مأموران کشور امارات به خاطر یک اشتباه بردارم را با شلیک گلوله به قتل رساندند که در نهایت پس از پیگیری‌های زیاد جسدش را تحویل دادند. وی ادامه داد: برادرم علی از کودکی عاشق لنج و قایق و دریا بود و به همین خاطر به صورت تجربی تعمیرات موتور لنج انجام می‌داد تا اینکه تصمیم گرفت به صورت حرفه‌ای دوره‌های پیشرفته تعمیرات موتور قایق و لنج را در آموزشگاه‌های بگذراند و در نهایت هم چند مدرک معتبر گرفت و کارش را ادامه داد. او جا و مکانی برای کارش نداشت و هر زمانی که لنج قایق صیادان دچار مشکل می‌شد دل به دریا می‌زد و به کمکشان می‌رفت و موتور لنج آنها را تعمیر می‌کرد.

به علاوه بر تعمیرات موتور قایق، صیادی هم می‌کرد چون ما بندر نشینان شغل اصلی‌مان صیادی است و از این راه هر زینه زندگی‌مان را تأمین می‌کنیم. و علاوه بر تعمیرات موتور قایق، صیادی هم می‌کرد چون ما بندر نشینان شغل اصلی‌مان صیادی است و از این راه هر زینه زندگی‌مان را تأمین می‌کنیم.

آخرین دیدار

آخرین دیدار ما و علی ماه صفر سال قبل بود که علی، از ما محافظتی کرد و از خانه بیرون رفت و به من و مادرم گفت که لنج دوستش خراب شده‌است



مابع درمانی برای جبران کمبود آب، حمایت غذایی و تنفسی و انجام پانسمان‌های خیلی خوب، تزریق آنتی بیوتیک‌ها برای جلوگیری از عفونت انجام شود.

وی افزود: سوختگی عمیق و زیاد بود و با توجه به حجم بالا و عمق سوختگی سطح دفاعی بدن از دست رفته و مقاومت بسیار کاهش پیدا کرده‌بود که رسیدگی درمانی گسترده و بالا نتوانست مانع فوت شود.

فداکاری علی لندی، در دورانی که همه‌گیری کرونا روان‌ها را پریشان و همه را از هم دور کرده توانست دل‌های بسیاری را با رفتار انسانی‌اش همراه کند. رفتاری که با بسته شدن دفتر زندگی‌اش نباید به فراموشی سپرده شود.

حسین فصیحی

یکی از ناگوارترین اتفاق‌هایی که مدام در حال روی دادن است سرقت است. پدیده‌ای که روان جامعه را به شدت پریشان کرده و مدام به آن دامن می‌زند. بعید است کسی در کشور پیدا شود که خودش یا نزدیکانش هدف سرقت قرار نگرفته‌باشند. کافای است در جمع‌های دوستانه یا در هر جمعی دیگر کسی در این باره تجربه‌ای را مطرح کند. آن وقت است که به پیوست آن تجربه‌های دیگر به اشتراک گذاشته می‌شود. زندگی اجتماعی این روزها به شدت عجین شده است با محدود کردن ومسدود کردن‌های بسیار. ساختمان‌ها و اماکن مدام به دوربین‌های مدارسته مجهز می‌شوند، خودروها، موتورسیکلت‌ها و هر وسیله نقلیه دیگر به دردگیر و تجهیزات ایمنی مجهز می‌شوند و هشدارهای بازدارنده برای در امان ماندن از دست سارقان مدام منتشر می‌شود با این حال سارقان با عبور از این موانع به اهدافشان می‌رسند. اینها تنها گوشه‌ای از اتفاق‌های ناگوار است که در فضای حقیقی جامعه در حال روی دادن است. آن‌چه در فضای مجازی از سرقت اطلاعات یا سرقت موجودی کارت‌ها در جریان است خودش حدیثی مفصل‌تر است. یکی از دلایل افزایش ناامنی‌را می‌توان به افزایش جامعه آماری پلیس و دستگاه قضایی این دسته‌از اطلاعات رانند و در بدنه اجتماعی جریان دارد در درستی ندارند چرا که از همه امکاناتی که آنها را از این آسیب مصون کند بهره‌مند هستند، تولید، تأمین و گسترش امنیت فرایندهایی دارند که با صدور بخشنامه و دستور میسر نمی‌شود و بی‌توجهی بیشتر به آن امنیت عمومی را بیش از گذشته به خطر می‌اندازد.

واکنش پلیس به ادعای مطرح شده درباره مؤسسه رهگشا

هزینه تعویض پلاک به خزانه کشور واریز می‌شود



معاون اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی ناجا به‌ادعای مالی مطرح شده درباره مؤسسه رهگشا واکنش نشان داد و گفت که در آمدهای حاصل تعویض پلاک به خزانه کشور واریز می‌شود.

از چندین قلم متنی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود که بر اساس آن، ادعای مالی را علیه مؤسسه رهگشا و برخی از فرماندهان ارشد نیروی انتظامی مطرح می‌کند. سرهنگ عین الله جپانی، معاون اجتماعی پلیس راهنما و رانندگی ناجا درباره مبلغ و درآمدهای مراکز تعویض پلاک گفت: برابر قانون تمام وجوه پرداختی بانکی به حساب خزانه دولت واریز شده و هیچ نفع شخصی یا سازمانی در این زمینه وجود ندارد. وی در پایان تأکید کرد که این قبیل اقدامات و شایعه پراکنی‌ها هیچ تأثیری بر عملکرد و خدمت‌رسانی پلیس راهور نخواهد داشت و افرادی که با نشر اکاذیب و اتهامات واهی و سوءاستفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای قصد فریب افکار عمومی را داشته‌باشند، حتماً تحت پیگرد قانون قرار خواهند گرفت.

کلاهبرداری ۲ میلیاردی برای بخت گشایی

گشایی‌کنند. ساز مهارت زیادی در حرف زدن داشت و توانست با ادعای بخت گشایی ما را قریب دهد. در مدت سه سال ۲ میلیارد تومان از ما پول بگیرد. بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس موفق شدند مخفیگاه ساز را در نیواوران شناسایی کرد و او را بازداشت کنند. سرهنگ کاراگاه سعیدالدین رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم جریان دارد.

مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی، سند نقل و انتقالات خودرو و پراید تنب GTXI مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۰ ۹۳۳ ۳۰) ۵۹۶ به شماره موتور ۳۰۷۷۲۹۵ شماره شاسی ۳۰۸۷۷۰۰۸۱۲۲۸۸۰۱۴۱ متعلق به مهدی مطیع مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شماره پرونده:۸/۷۸۶۸/۰۲/۱۴۰۰ برابر رأی شماره ۵۶۱۴/۰۴۰۶۳۱۰۰۰۴۰۶۳۱۰۰۰۴۰۶/۱۴۰۰ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک بابل، تصرفات مالکانه و پلا معارض خانم عفت تاج الدین فرزند رضاعلی به شماره شناسنامه ۸۳۹ شماره ملی ۲۰۶۱۶۴۱۰۰۸ صادره از بابل نسبت به شش دانگ یک باب خانه در آن به مساحت مساحت ۴۶۱ مترمربع پلاک ۹/۳۲۷ اصلی واقع در بالاکرو کلا بخش ۱۱۰ بابل خریداری از آقای محمداقلا گل نژاد محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۰/۷/۰۳ نوبت دوم ۱۴۰۰/۷/۱۸ شماره شناسه ۱۱۹۵۷۳۸

سید مهدی حسینی کریمی سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بابل شناسه آگهی: ۱۱۹۵۷۳۸



قتل مرد ناشناس در حادثه بامدادی

تحقیقات پلیس تهران درباره قتل مردی ناشناس که بامداد دیروز حوالی خیابان مولوی تهران به قتل رسیده جریان دارد. به گزارش جوان، ساعت ۵ صبح جمعه دوم مهرماه مردی وحشت زده با اداره پلیس تهران تماس گرفت و گفت جسد مرد جوانی را در نزدیکی خیابان مولوی کشف کرده که با ضربات چاقو به قتل رسیده‌است.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه شدند که کنار خیابان با جسد خونین مردی حدوداً ۴۰ ساله روبرو شدند که با ضرب‌های چاقو به شکم و پولیس کشته شده بود.

بدین ترتیب قاضی محمد وهایی، باز پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند.

مردی که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود، گفت: صبح از خانه‌ام بیرون آمدم تا به محل کارم بروم که داخل خیابان چشمم به مردی افتاد که کنار دیوار افتاده بود. احتمال دادم که حالش بد شده و به طرفش رفتم تا به او کمک کنم، اما وقتی به او رسیدم دیدم خونین روی زمین افتاده و فوت کرده است که پلافاصله به اداره پلیس تماس گرفتم.

رد خون

تیم جنایی در بازرسی بدنی از مقتول هیچ مدرک شناسایی کشف نکردند و از سوی دیگر در تحقیق از ساکنان محل مشخص شد که او اهل این محل نیست و کسی هم او را نمی‌شناسد. مأموران با دیدن رد خون روی دیوار و زمین در یافتند مقتول چند صد مترن از طرقتر نزدیک محل فروش ضایعات زخمی شده و پس از آن دستش را که به خون بدنش آغشته بوده به دیوار گرفته تا خودش را به در خانه‌ای برساند و درخواست کمک کند، اما بر اثر شدت جراحات و خونریزی شدید پس از طی مسافت کوتاهی روی زمین می‌افتد وفوت می‌کند. بنابراین مأموران پلیس از نگهبان کارآگاهی که در نزدیکی کشف جسد قرار داشت تحقیق کردند. وی گفت: ساعت ۵ صبح داخل کارگاه خواب بودم که صدای درگیری از بیرون به گوشم رسید که دقایقی بعد هم صدا قطع شد. آن جنابیی که همیشه در این منطقه درگیری بین معتادان و افراد ضایعات جمع‌کن وجود دارد توجهی به آن نکردم و کارگاه را به بیرون نیامدم. از سوی دیگر افرادی هم که در آن نزدیکی زندگی می‌کردند در تحقیقات پلیسی گفتند که با صدای درگیری از بیرون شنیده‌اند اما متوجه درگیری نشده‌اند. در حالی که معاینات اولیه پزشکی قانونی در محل حادثه نشان می‌داد چند ساعتی از قتل مرد جوان گذشته است، جسد به دستور باز پرس جنایی برای شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران پلیس در تلاشند که عامل یا عاملان قتل مرد ناشناس شناسایی و دستگیر کنند تا از آزار درگیری مر گبار بر ملاشود.